

## سخنی کوتاه با اعضای محترم کمیسیون نشریات علمی

جلال الدین رفیع فر (سردبیر)

چندی پیش مطلع شدم کار ارزیابی برخی نشریات، به علت تاخیر در چاپ، از دستور کار خارج شده‌اند؟! در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا نایبستی بین نشریه‌ای که بعضی از شماره‌هایش با اندک تاخیری به چاپ رسیده است، با نشریه‌ای که مدتی است انتشارش متوقف شده است تفاوتی قائل شد؟ لازم به ذکر است که تاخیر در چاپ مجلات «علمی»، خصوصاً در بخش علوم انسانی و اجتماعی، اگر بخواهیم همه اصول را رعایت کنیم امری طبیعی است که در ادامه به دلایل آن اشاره خواهد شد. بنابراین به نظر نمی‌رسد که چنین نشریاتی را به دلیل کم کاری در انجام وظایفشان، مشمول چنین مجازات کم سابقه‌ای دانست! آن هم بدون اطلاع قبلی! آیا بهتر نیست قبل از اتخاذ هر تصمیمی ابتدا علت‌اش را جويا شویم و بعد تصمیم بگیریم! خصوصاً نشریات با سابقه چند ده ساله که برای خود اعتباری دارند و با انتشار ده‌ها شماره در طی چند ده سال خوانندگان مشتاقی دارند و برخی از مقالاتشان بیش از هزار خواننده داشته‌اند و به دلیل چند زبانه بودن شهرت بین‌المللی پیدا کرده‌اند! که البته نشریه پیش رو از جمله همین دسته از نشریات است! متأسفانه اتخاذ چنین تصمیماتی، مصداق ناسپاسی از خدمات صادقانه و شرافتمندانه عده‌ایست که بدون کمتر حمایتی، برای انتشار چنین مجلاتی تلاش کرده‌اند. در حقیقت شبیه به تیر خلاصی است که بر سر دست‌اندرکاران این نشریات فرود می‌آید و تمام روحیه، انگیزه و احساس مسئولیت و... را به شدت خدشه‌دار می‌کند! کسانی که بدون هیچ‌گونه حقوق و چشم داشتی سال‌های سال است، فقط و فقط بدلیل انجام وظیفه در قبال جامعه علمی کشور و علاقه‌ای که به رشته خود دارند این کار را انجام داده و می‌دهند.

این نوشته فقط به دلیل انجام وظیفه و نه فقط در مقام دفاع از نشریه‌ای که من سردبیر آن هستم، بلکه با عنایت به تجربه‌ی سی ساله‌ای که در کار آموزش و پژوهش و انتشارات و

کارهایی از این دست دارم بر خود لازم دانستم به برخی از مشکلاتی که می‌توانند باعث تاخیر در چاپ مجلات واقعاً «علمی» گردد، اشاره‌ای کوتاه داشته باشم، که شاید مثر ثمر واقع شود:

۱- نکته اول اینکه گرفتن تصمیمات یکسان برای همه نشریات از هر رشته‌ای که باشند! بدون توجه به شرایط، توانایی‌ها و امکانات هر رشته، مدتی است رایج شده و با وجود مخالفت‌هایی که با چنین روشی شده است، کماکان ادامه دارد.

۲- عدم همترازی بین تعداد مجلات تخصصی با میزان تولیدات واقعاً علمی با در نظر گرفتن تعداد متخصصین آن رشته و قابل چاپ بودن آن‌ها از دیگر مشکلاتی است که با آن روبرو هستیم.

۳- حدود دو برابر کردن یک باره تعداد مقالاتی که بایستی در هر شماره چاپ شوند، بدون در نظر گرفتن میزان توانایی‌های موجود برای تولید مقالات خوب که این تصمیم به مقدار زیادی به کیفیت علمی مجلات لطمه وارد کرده و می‌کند. (من شخصاً با چند سردبیر درباره این تصمیم و درست یا نادرست بودن آن صحبت کردم همگی به نادرست بودن آن، البته در علوم اجتماعی معتقد بودند و اعتراف کردند برای جلوگیری از کم شدن امتیاز مجله‌شان مجبور شدند مقالاتی که کیفیت لازم را نداشته‌اند را نیز چاپ کنند!)

۴- کمبود امکانات مالی لازم برای انجام کارهای مربوط به سایت و همچنین هزینه‌های سرسام آوری که این روزها گریبان همه مجلات را گرفته و وزارت‌خانه هم کمک آن چنانی نمی‌کند و فقط انتظارات‌اش را افزایش می‌دهد و بس!؟ که البته باید به این بزرگان خسته نباشید گفت! (بد نیست بدانید که مجله پیش رو به دلیل مشکلات مالی جدی که مدتی است با آن روبروست، فقط یک کارمند نیمه وقت دارد که آن هم برای پرداخت حقوقش دچار مشکل جدی هستیم!)

۵- خاص بودن موضوعات کاملاً تخصصی در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، خصوصاً در رشته انسان‌شناسی (مردم‌شناسی) و در نتیجه محدود بودن مقالات علمی در این حوزه که با تعداد نشریاتی که با اندک تغییری در نام نشریه (مثل نشریه «پژوهش‌های انسان‌شناسی» و...)

مجوز انتشار می‌گیرند، همخوانی ندارد. (در این خصوص رسماً نامه اعتراضیه نوشته و ارسال شد ولی نتیجه‌ای گرفته نشد!)

۶- محدود بودن تعداد افرادی که شایستگی لازم هم از لحاظ تخصصی و هم اخلاقی برای داوری مقالات در این رشته را داشته باشند!

۷- الزام به داشتن اعضای هیات علمی خارجی برای مجلاتی که معمولاً به زبان فارسی منتشر می‌شوند و کاملاً تخصصی هستند و موضوعه‌شان اصلاً متخصص خارجی واجد شرایط یا ندارد یا بسیار کم دارد و ...؟!

۸- مسئله مهم دیگر، تغییر در شرایط اعضای هیات تحریریه مجلات است که مرتب بر اساس همان تصمیمات نادرست، از ما خواسته می‌شود که هر چند سال یک بار اعمال شود! مگر هیات تحریریه کفش و کلاه است که پس از مدتی کهنه شوند، که بایستی مرتب تغییر کنند و نو شوند؟! در بین اعضای هیات علمی نشریه ما، افرادی که از افتخارات نه تنها رشته ما بلکه جامعه علمی کشور هستند. چرا بایستی تغییر کنند؟ و از آن مهم‌تر، چه کسانی را می‌شود جایگزین آن‌ها کرد تا هم‌تراز با آن‌ها باشند؟

۹- برای هیات تحریریه و داورانی که آشنایی لازم و کافی با تکنولوژی جدید را ندارند، حتی بعضی از آن‌ها کامپیوتر هم ندارند تا بتوانند، مقالات یا نتایج داوری‌های خود را از طریق سامانه اطلاع رسانی کنند، ولی مرتب در حال دریافت با ارزش‌ترین جوایز علمی کشور از جمله کتاب سال، پژوهش سال و ... هستند فکری شده است؟ مثلاً استاد جواد صفی‌نژاد که یک استادیار بازنشسته است و کامپیوتر هم ندارد و همین پارسال (۱۳۹۸) برای چندمین بار، هم جایزه کتاب سال و هم فارابی را از آن خود کرد و در مجله ما، هم عضو هیات تحریریه است و هم داور، ولی بعثت استادیار بودن مرتب بخشنامه‌های شما حضور ایشان و همکاری ایشان را که باعث افتخار و سربلندی مجله است، زیر سؤال می‌برد! و یا بزرگان دیگری که هیات علمی نیستند و مثل صفی‌نژاد اصلاً دکتر هم ندارند ولی در رشته ما جزء سرآمدترین‌ها هستند، چرا نباید بتوانند عضو هیات تحریریه نشریه باشند؟ آیا واقعا هیات علمی بودن و داشتن رتبه علمی استادی و دانشیاری ملاک بهترین بودن است؟ یا کارهای

واقعا علمی و نه نمایشی که این روزها برای کسب ارتقا در بازارچه‌های خیابان انقلاب به وفور خرید و فروش می‌شوند؟

۱۰- یکی از علل مهم تاخیر در چاپ نشریه «نامه انسان‌شناسی» حضور همین افراد در هیات تحریریه است که اجازه نمی‌دهند مقالات بی‌کیفیت چاپ شوند! و لذا چاپ مجله با تاخیر روبرو می‌شود. اجازه دهید به صراحت عرض کنم، اگر دنبال کمیته هستیم و نه کیفیت، آن هم در علوم انسانی و اجتماعی، راه اشتباهی در پیش گرفته شده است. افزودن به تعداد «نشریات علمی» که تعداد متخصصین‌اش محدود است راه چاره برای پیشرفت واقعی نیست! این کار به نظر نگارنده جز تخریب و پائین آوردن سطح علمی نشریات نتیجه‌ای نداشته و نخواهد داشت. با بالا بردن آمار مجلات و مقالات چاپ شده، ولی بی‌کیفیت که از هر چیزی برای حفظ و اعتلای کلیه رشته‌های علمی و تخصصی خطرناک‌تر است، چه کار مثبتی انجام خواهد شد؟

۱۱- ایرادات خرد‌ریزی که در شیوه‌نامه برایشان امتیاز منفی قابل توجه و عجیب تعریف شده، مثل «انتشار به موقع»، «امتیاز صاحب امتیاز»، «تعداد اعضای گروه دبیران»، «درج میانگین بازه زمانی داوری»، «درج فهرست مقالات آماده برای چاپ»، «...چه میزان در بالا بردن کیفیت مقالات تاثیر دارند؟ آیا این درخواست‌ها نشانگر آن نیست که دست اندر کاران، تجربه کافی در مدیریت این کار را نداشته‌اند، یا دست کم در علوم اجتماعی نداشته‌اند و گرنه امتیاز منفی ۶۰ برای تاخیر هر شماره با چه منطقی همخوانی دارد؟ آیا این نوع امتیازدهی باعث سرعت بخشیدن به چاپ نشریه با مقالات با کیفیت پائین نمی‌شود و نشده است؟ آیا بهتر نبود ابتدا علت‌یابی می‌کردند و بعد امتیاز می‌دادند!

۱۲- گفتنی زیاد است و حوصله زیاد می‌خواهد تا هم نوشته شود و هم خوانده شود و مهم‌تر از همه‌ی آن‌ها، ترتیب اثر داده شود! اگر مطالبی را بی‌پرده و بدون تعارف بیان کردم، قصدم خیرخواهی و کمک به بهتر شدن کار بود و نه خدای ناخواسته اهانت یا بی‌احترامی به بزرگان زحمت‌کشی که در شایستگی آن‌ها شکی ندارم.

پایان